

تعارض صلاحیت محاکم در جرایم مطبوعاتی از منظر حقوق ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۵/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۶/۲۲

زهرا علی‌بخشی^۱

چکیده:

صلاحیت، یکی از مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین مسایل در حقوق کیفری ایران است، به این معنا که هر مقام قضایی (اعم از قاضی دادسرا یا دادگاه) مکلف است قبل از رسیدگی به جرم، آن را احراز نماید، چرا که در صورتی که محکمه‌ای فاقد صلاحیت بوده و به جرمی رسیدگی نماید، قاضی مرتکب تخلف انتظامی گردیده و رأی صادره نیز قابل نقض خواهد بود. در حقوق ایران چه در قوانین ماهوی و چه در قوانین شکلی، مقرراتی برای تعیین دادگاه صالح به رسیدگی در خصوص جرایم مطبوعاتی وجود دارد. این مقررات در جایی که مستلزم تعارض ماهوی نباشند ممکن است به انحای گوناگونی تفسیر شوند، به نوعی که ممکن است در آن واحد چند دادگاه خود را صالح به رسیدگی بدانند. مقاله حاضر به تحلیل مسئله صلاحیت در جرایم مطبوعاتی و تبیین اصول حل تعارض صلاحیت میان دادگاه‌های کیفری استان، نظامی، انقلاب و ویژه روحانیت و تعارض صلاحیت میان دادگاه‌های داخلی و خارجی در خصوص جرایم مطبوعاتی پرداخته است.

واژگان کلیدی: دادگاه، اصول حل تعارض صلاحیت، جرایم مطبوعاتی، صلاحیت

ذاتی، صلاحیت شخصی، صلاحیت محلی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق ارتباطات.

۱ - مقدمه

۱ - ۱ - بیان مسئله

صلاحیت در لغت به معنای شایسته بودن است و در حقوق، اختیاری است که قانون به دادگاهی می‌دهد که به‌موجب آن به دعوایی رسیدگی کند (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۱۵۷). به عبارت دیگر، صلاحیت، توانایی و الزام قانونی است که برای رسیدگی به دعاوی و شکایات به دادگاه اعطا می‌شود. براساس قانون اساسی، رسیدگی به دعاوی و شکایات و اختلافات در صلاحیت دادگستری است. اصل ۱۵۹ ق.ا. مقرر داشته است: «مرجع رسمی نظامات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آن‌ها منوط به حکم قانون است.» لذا زمانی که قانون، دادگاهی را صالح برای رسیدگی به دعوایی تشخیص دهد، قاضی مکلف است این حدود قانونی را رعایت کند یعنی اولاً به کلیه اختلافاتی که در حدود صلاحیت اوست رسیدگی کند و حق امتناع از رسیدگی ندارد و ثانیاً به کلیه اختلافات و دعاوی که از صلاحیت او خارج است رسیدگی نکند و الا اقدام او تخلف محسوب می‌شود و رسیدگی او باطل و بلا اثر است. شایان ذکر است دادگاه یا هیئتی که به‌موجب قانون توانایی رسیدگی به دعاوی را پیدا کرده، حق ندارد از توانایی و صلاحیت خود استفاده نکند بلکه مکلف به اعمال صلاحیت خویش است. به همین مناسبت، در تعریف صلاحیت، به‌دنبال کلمه توانایی، کلمه الزام به کار رفته است (آخوندی، ۱۳۷۸: ۱۶۸).

مسئله حل تعارض در صلاحیت، فواید زیادی دارد مانند جلوگیری از تراکم کار در محاکم قضایی، رعایت اصل تخصص، سرعت در رسیدگی و مطرح بودن حاکمیت دولت در اختلافات.^۱ ویژگی‌های متنوع مطبوعات و مسئولیت افراد گوناگون در يك جرم مطبوعاتی، پیچیدگی تعیین صلاحیت را در این جرایم دوچندان می‌کند. وجود محاکم تخصصی برای رسیدگی به جرایم خاص در زمانی که این جرایم به‌وسیله مطبوعات صورت پذیرد موجب تعارض در ادعای صلاحیت خواهد شد. چنانچه نظامی بودن یا روحانی بودن مدیرمسئول یا

۱. ر.ک.: مدنی، جلال‌الدین، آیین دادرسی مدنی (سازمان قضایی جمهوری اسلامی ایران، مراجع قضایی عمومی، اختصاصی و داورى دعاوى صلاحیت)، ج. اول، انتشارات پایدار، چ. اول، آبان ۱۳۷۶، ص. ۴۵۹.

نویسنده و امنیتی بودن یا نبودن جرم ارتكابی در مطبوعات، می‌تواند صلاحیت چندین دادگاه را به‌طور هم‌زمان مطرح سازد. حل تعارض میان صلاحیت این دادگاه‌ها مستلزم مطالعه دقیق و بررسی رویه قضایی و استدلال‌ات حقوقی می‌باشد.

در این مقاله تلاش شد تا ضمن طرح اختلافات احتمالی در تعیین دادگاه صالح، اصول قابل اعمال در هر يك از اقسام تعارض صلاحیت بررسی و ارائه شود.

۲- ۱- سؤال و فرضیه

با توجه به توضیحات بالا، سؤال پیش رو، این‌که؛ چه قواعدی در حل تعارض صلاحیت میان محاکم مختلف در ارتباط با مطبوعات وجود دارد؟

فرضیه اتخاذی نویسنده عبارت است از این‌که با توجه به روش استدلال قیاسی حقوقی و توجه به رویه قضایی (استدلال استقرایی)، باید بیان داشت که قواعد حل تعارض صلاحیت محاکم در ارتباط با جرایم مطبوعاتی بسته به نوع جرم، مدیر مسئول، نوع نشریه و محاکم مدعی صلاحیت، متفاوت خواهد بود.

۳- ۱- تعریف مفاهیم

۱- ۳- ۱- مفهوم قانونی مطبوعات: قوانین عادی و آیین‌نامه‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تعاریف خاصی را از مطبوعات به‌دست داده‌اند. اولین قانون مطبوعات ایران مصوب ۱۲۸۶، صراحتاً مطبوعات را تعریف نکرده است اما با توجه به مقدمه‌ای که در صدر این قانون نوشته شده می‌توان نتیجه گرفت که مطبوعات عبارت است از کتاب و روزنامه‌جات؛ چرا که واژه مطبوعات را به معنای اعم آن به‌کار برده و کتب و روزنامه‌جات را ذیل تعریف مطبوعات در نظر گرفته است. در مقدمه این قانون آمده است: «موافق اصل بیستم از قانون اساسی عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین، آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است...». فصل دوم و سوم این قانون به‌ترتیب به طبع کتب و روزنامه‌جات مقرر اختصاص دارد. به عبارت دیگر، از نظر این قانون، مطبوعات به دو قسم اصلی تقسیم می‌شوند، کتب و روزنامه‌جات؛ و با عنایت به این‌که در برخی مواد این قانون از اوراق چاپی دیگر نیز اسم برده شده است می‌توان نتیجه گرفت که این قانون ناظر بر

کلیه مواد مکتوبی بوده که از چاپخانه خارج شده و منتشر می‌شده است.^۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ۴ اصل به مطبوعات اشاره کرده است.^۲ ماده یک قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ تعریفی جامع از مطبوعات به این صورت ارائه داده است: «مطبوعات در این قانون عبارتند از نشریاتی که به طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر این‌ها منتشر می‌شوند.»

۲- ۳- ۱- مفهوم جرم مطبوعاتی: در زمینه تعریف جرم مطبوعاتی و تعیین مصادیق آن، اختلاف نظرهای وسیعی بین حقوق دانان و صاحب نظران علوم ارتباطات وجود دارد. برخی صاحب نظران به طور کلی مفهوم جرم مطبوعاتی را نفی می‌کنند و عقیده آن‌ها این گونه است که «امکان ندارد هیچ نشریه‌ای مرتکب جرمی شود که خارج از محدوده مقررات قوانین موجود یا بعدی درباره جرایم عادی باشد، بنابراین اگر جرمی به وسیله مطبوعات روی دهد، در حقیقت نشریه آلت جرم است نه فاعل آن... و برای آلت جرم در هیچ کجای دنیا و در هیچ زمانی سابقه نداشته که قانون خاص بنویسند؛ «مثلاً قانون چاقوی ضامن‌دار یا دادگاه ویژه قلوه‌سنگ بی‌معناست».^۳ اما نمی‌توان این نظر را پذیرفت. چرا که قانون‌گذار

۱. مستنبط از: انصاری لاری، محمدابراهیم، نظارت بر مطبوعات در حقوق ایران، انتشارات سروش، چ. اول، سال ۱۳۷۵، ص. ۴۲.

۲. الف - بند ۲ اصل ۳ ق.ا.؛ «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ... بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.»

ب - اصل ۱۵ ق.ا.؛ «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.»

ج - اصل ۲۴ ق.ا.؛ «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.»

د - اصل ۱۶۸ ق.ا.؛ «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند.»

۳. صالحیار، غلامحسین، «مطبوعات ایران و مشکل مطبوعات در ایران»، دنیای سخن، ش. ۶۲، آبان و آذر ۱۳۷۳، ص. ۲۴ (به نقل از: شیخ‌الاسلامی، عباس، معاونت آموزش قوه قضائیه، بررسی تحلیلی جرایم مطبوعاتی، انتشارات جاودانه، چ. اول، ۱۳۸۷، ص. ۲۰).

برای آلت جرم قانون نمی‌نویسد و با توجه به این که جرایم مطبوعاتی از جمله جرایمی هستند که وسیله در تحقق رکن مادی آن شرط است و جرم با وسیله خاصی به نام مطبوعات تحقق پیدا می‌کند؛ لذا قانون‌گذار برای فاعلی (نویسنده یا ناشر و...) که از این وسیله خاص استفاده مجرمانه کرده است، قانون می‌نویسد و این بلااشکال است. (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۷: ۲۰) در مقابل، برخی دیگر از اندیشمندان با پذیرش ضرورت جرم‌انگاری تخلفات مطبوعات، تعاریفی مضیق و موسع از جرم مطبوعاتی ارائه داده‌اند.

۱- ۲- ۳- ۱- تعریف عام: موافقان این دسته از جرایم مطبوعاتی، جرم مطبوعاتی را در مفهوم موسعی به کار برده و آن را شامل هر جرم ارتكابی از طریق مطبوعات دانسته‌اند. لذا ویژگی مهم این جرایم، ارتكاب آن‌ها از سوی مطبوعات می‌باشد و انتشار، خصیصه اصلی این‌گونه جرایم است. بنابراین جرایم مطبوعاتی، جرایمی است که به وسیله درج مطالب یا تصویری در يك نشریه روی می‌دهد و خود، جرم مستقلی نیست بلکه جرم عمومی است که عملاً وقوع آن به وسیله درج مطلب در نشریه ممکن است (نوروزی، ۱۳۷۷: ۲۸۵). بر اساس این تعریف، جرم مطبوعاتی در موسع‌ترین معنای خود، یعنی عمل خلاف قانون کیفری که به وسیله مطبوعات تحقق می‌یابد، به کار برده شده است.

۲- ۳- ۱- تعریف خاص: این دسته از افراد صاحب‌نظر معنایی مضیق و محدودتر از جرایم مطبوعاتی را بیان می‌دارند. در محدودترین تعریف از جرم مطبوعاتی، آن را تنها شامل جرایمی دانسته‌اند که ارتكاب آن فقط از ناحیه مطبوعات جرم تلقی شود. در این خصوص عده‌ای اعتقاد به محدود کردن جرایم مطبوعاتی به جرایم حرفه‌ای دارند. به این معنا که اساس جرم مطبوعاتی عبارت از این است که روزنامه‌نگار به خاطر نظر و عقیده و رأی و مسلکی که در روزنامه عنوان کرده است، مورد تعقیب واقع شود.^۱ شایع‌ترین روش تحدید جرایم مطبوعاتی، محدود کردن آن به جرایمی است که تنها در قانون مطبوعات هر

۱. عسگری، محمدرضا، جزوه درسی حقوق مطبوعات، مؤسسه عالی ارتباطات اجتماعی، نیمسال دوم ۱۳۴۹-۵۰، ص. ۶۵ (به نقل از؛ شیخ الاسلامی، همان، صص. ۲۰ و ۲۱).

کشور ذکر شده است.^۱

۲- صلاحیت در جرایم مطبوعاتی

۱- ۲- انواع صلاحیت‌ها در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی

در کل سه نوع صلاحیت برای دادگاه‌های رسیدگی‌کننده به جرایم مطبوعاتی قابل تصور است که عبارتند از: ۱. صلاحیت ذاتی ۲. صلاحیت محلی ۳. صلاحیت شخصی. بنابراین در این بخش حالت‌های مختلف صلاحیت محاکم را بررسی اجمالی خواهیم کرد.

۱- ۱- ۲- صلاحیت ذاتی: قانون آیین دادرسی کیفری تعریفی از صلاحیت ذاتی ارائه نکرده است. قانون آیین دادرسی مدنی سابق مصوب ۲۵ شهریورماه سال ۱۳۱۸، صلاحیت ذاتی را طبق بند یک ماده ۱۹۷ چنین تعریف کرده: «... صلاحیت دادگاه شهرستان نسبت به دادگاه استان و بالعکس و دادگاه‌های دادگستری نسبت به مرجع غیردادگستری صلاحیت ذاتی است.» قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیز در خصوص ارائه تعریف صلاحیت ذاتی سکوت نموده است. (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۱۵۸) منظور از صلاحیت ذاتی، صلاحیتی است که قابل جابه‌جایی نیست؛ صلاحیتی است که با نظم عمومی گره خورده؛ قواعد آن از جمله قوانین آمره بوده و در اجرا تغییرناپذیر است.^۲ تخلف از صلاحیت ذاتی موجب بطلان مطلق حکمی است که از آن حاصل می‌شود.^۳

۱. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدون بیان تعریفی از جرم مطبوعاتی، تضمیناتی خاص از جمله علنی بودن و حضور هیئت منصفه را در اصل ۱۶۸ برای این‌گونه جرایم در نظر گرفته است.

۲. ر.ک: مدنی، همان.

۳. قانون آیین دادرسی مدنی، فصل اول از باب اول که عنوان «در صلاحیت دادگاه‌ها» را دارد به صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاه‌ها اختصاص داده ولی تعریفی از صلاحیت ذاتی ننموده فقط مصادیق صلاحیت ذاتی را محدود به این عبارت نموده «صلاحیت دادگاه شهرستان نسبت به دادگاه استان و بالعکس صلاحیت دادگاه‌های دادگستری نسبت به مراجع غیردادگستری صلاحیت ذاتی است»، در حالی که قانون تسریع محاکمات مصوب سوم تیرماه سال ۱۳۰۹ به‌نحو کامل ضمن تبصره ماده یک صلاحیت ذاتی را به این شرح بیان نموده بود: «عدم صلاحیت ذاتی عبارت است از عدم صلاحیت محکمه صلحیه نسبت به امور راجعه به ابتدایی و بالعکس و عدم صلاحیت محکمه حقوقی نسبت به امور جزایی و محکمه جزایی نسبت به حقوقی و محکمه ابتدایی نسبت به استیناف و بالعکس و محاکم عمومی نسبت به محاکم شرع و برعکس و عدم صلاحیت محاکم عدلیه نسبت به امور راجعه به محاکم غیرعدلیه».

صلاحیت ذاتی یا صلاحیت مطلقه دادگاه بر سه عنصر متکی است: ۱. صنف دادگاه ۲. نوع دادگاه ۳. درجه دادگاه (جعفری نگرودی، ۱۳۶۳: ۲۷۸). صنف دادگاه یعنی تقسیم‌بندی محاکم دادگستری به جزایی و مدنی (یا حقوقی) به این معنا که دادگاه‌های جزایی فقط به امور کیفری و دادگاه‌های حقوقی صرفاً به امور حقوقی رسیدگی خواهند نمود. عنصر دوم از صلاحیت ذاتی که نوع دادگاه می‌باشد یعنی تقسیم‌بندی محاکم به عمومی و اختصاصی با این توضیح که دادگاه‌های عمومی، مراجع قضایی هستند که صلاحیت و شایستگی رسیدگی به کلیه دعاوی اعم از حقوقی و کیفری را دارند، مگر آن‌چه به موجب قانون در صلاحیت دادگاه‌های اختصاصی قرار داده شده است و دادگاه‌های اختصاصی، مراجعی هستند که صرفاً مجاز به رسیدگی به همان مواردی هستند که قانون احصا کرده و لاغیر. (بهرامی، ۱۳۸۲: ۹۶ و ۹۷) عنصر سوم از تقسیم‌بندی صلاحیت ذاتی نیز که درجه دادگاه می‌باشد. وقتی که صنف و نوع دادگاه مشخص شد باید بدانیم دعوی در چه درجه‌ای از دادگاه باید رسیدگی شود. به این معنا که در صورتی که دعوا در صلاحیت دادگاه‌های عالی باشد، دادگاه‌های تالی حق رسیدگی و اعمال نظر در پرونده مطروحه را ندارند. (مدنی، ۱۳۷۶: ۴۶۲)

تفکیک صلاحیت ذاتی دادگاه‌ها بر اساس درجه در حال حاضر در مورد جرایم مطبوعاتی همانند جرایم عادی است. یعنی مرجع صلاحیت‌دار جهت تجدیدنظرخواهی از احکام بدوی صادره نسبت به جرایم مطبوعاتی بر اساس میزان مجازات ممکن است دادگاه تجدیدنظر استان یا دیوان عالی کشور باشد. (ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب)

۲- ۱- ۲- صلاحیت محلی: در این قسمت، این پرسش مطرح می‌شود که در بین دادگاه‌های متعددی که صلاحیت ذاتی آن‌ها محرز شده است کدام یک برای رسیدگی به جرم ارتكابی شایستگی ویژه دارند؟ در پاسخ به این پرسش باید بیان کرد که صلاحیت محاکم در رسیدگی به امور حقوقی^۱ و کیفری متفاوت می‌باشد. در خصوص امور جزایی،

۱. در امور حقوقی، دادگاه محل اقامت خوانده صالح به رسیدگی می‌باشد جز در چند مورد: ۱. موارد استثنایی صلاحیت محل اقامت خواهان: بعضی موارد عملاً امکان ندارد اصل دادگاه محل اقامت خوانده رعایت شود و ناچار خواهان در دادگاه محل اقامت خود طرح دعوی می‌نماید از جمله: ۱. در صورتی که خوانده مقیم خارج از کشور باشد و محل سکونت موقت و اموال غیرمنقول هم در ایران نداشته باشد. ^۱

اصل بر صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم می‌باشد، بنابراین اگر رسیدگی به شکایت کیفری ذاتاً در صلاحیت دادگاه باشد زمانی دادگاه حق دارد به این شکایت رسیدگی کند که محل وقوع آن جرم نیز در حوزه جغرافیایی و قضایی آن دادگاه باشد. ماده ۵۱ ق.آ.د.ک. مقرر می‌دارد: «دادگاه‌ها فقط در حوزه قضایی محل مأموریت خود ایفای وظیفه نموده و در صورت وجود جهات قانونی در موارد زیر شروع به تحقیق و رسیدگی می‌کنند: الف - جرم در حوزه قضایی آن دادگاه واقع شده باشد. ب - جرم در حوزه قضایی دیگری واقع شده ولی در حوزه قضایی آن دادگاه کشف یا متهم در آن حوزه دستگیر شده باشد. ج - جرم در حوزه دادگاه دیگری واقع ولی متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه آن دادگاه مقیم باشد.» ماده ۵۲ از این قانون نیز بیان داشته: «در مواردی که جرم خارج از حوزه قضایی دادگاه واقع شده ولی در حوزه آن کشف یا مرتکب در حوزه آن دستگیر شده باشد و همچنین در مواردی که دادگاه محل وقوع جرم صلاحیت محلی برای رسیدگی نداشته باشد، دادگاه تحقیقات مقتضی را به عمل آورده و پرونده را همراه با متهم (در صورت دستگیری) نزد دادگاه صالح ارسال می‌دارد.»^۱

در زمینه صلاحیت محلی دادگاه رسیدگی کننده به جرایم مطبوعاتی بحث خاص و مهمی وجود ندارد، به این معنا که قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ و اصلاحی سال ۱۳۷۹ در مورد صلاحیت محلی در جرایم مطبوعاتی ساکت است. بنابراین صلاحیت محلی

۲. در دعاوی خانوادگی هرگاه خواننده دعوی در خارج از کشور باشد. (این مورد با مورد قبل از این جهت تفاوت دارد که محل سکونت موقت و محل اموال غیرمنقول خواننده مورد توجه قرار نگرفته است).
 ۳. در دعوی توقف هرگاه خواهان دعوی، شخص تاجر ورشکسته باشد. ۴. در دعوی اعسار نسبت به برگ اجرایی ثبت اسناد که دعوی اصلی ندارد به لحاظ این که دادگاه اقامتگاه خواهان (مدعی اعسار) بهتر می‌تواند به دلایل اعسار رسیدگی نماید دادگاه محل اقامت مدعی صالح تشخیص گردیده که البته با تصویب قانون منع بازداشت سال ۱۳۵۱ موردی برای طرح چنین دعوی اعساری باقی نیست. ۵. برابر ماده ۴ قانون ثبت احوال سال ۱۳۵۵ دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال در دادگاه صالح محل اقامت خواهان اقامه می‌شود. ۲. دادگاه محل مال غیرمنقول ۳. دعوی با خواسته توأم اموال منقول و غیرمنقول ۴. دعوی با تعدد خوانندگان.

۱. در خصوص استثنائات وارد بر صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم نیز ماده ۵۴ قانون فوق‌الذکر بیان داشته: «متهم در دادگاهی محاکمه می‌شود که جرم در حوزه آن واقع شده است و اگر شخصی مرتکب چند جرم در جاهای مختلف بشود در دادگاهی رسیدگی خواهد شد که مهم‌ترین جرم در حوزه آن واقع شده و چنانچه جرایم ارتكابی از حیث مجازات در یک درجه باشد دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شده رسیدگی مینماید و در صورتی که جرایم متهم در حوزه‌های قضایی مختلف واقع شده باشد و متهم دستگیر نشده، دادگاهی که ابتدائاً شروع به تعقیب موضوع نموده، صلاحیت رسیدگی به کلیه جرایم مذکور را دارد.» (مدنی، همان، ص. ۴۶۷)

جرایم مطبوعاتی خارج از قاعده کلی صلاحیت در آیین دادرسی کیفری و صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم (مندرج در ماده ۵۴ ق.آ.د.ک. مصوب شهریور ۱۳۷۸) نیست. (معاونت/آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۷: ۹۷) اعمال این معیار در جرایم مستمر مباحثی را به دنبال داشته، بنابراین به دلیل این که در این خصوص در قانون و رویه قضایی تعیین تکلیف نشده است لذا دکتربین در مقام رفع خلأ قانونی، عقیده به صلاحیت دادگاه‌های همه محل‌هایی دارد که جرم در آن‌ها استمرار داشته است و به علاوه، برای رفع هرگونه مشکل عملی، حق تقدم با دادگاهی است که رسیدگی را زودتر شروع کرده است. با این وصف، به نظر نمی‌رسد که در جرایم مطبوعاتی، اعمال این معیار با مشکل خاصی مواجه باشد.^۱ بنابراین با توجه به تعریف جرم مطبوعاتی به انتشار مطالب مجرمانه به وسیله مطبوعات، دادگاه صالح را باید دادگاه محل انتشار نشریه دانست؛ چرا که انتشار، جزو نهایی رکن مادی جرم مطبوعاتی می‌باشد. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در پاسخ به این سؤال که «اگر در مطبوعات ایران اتهامی به دروغ به تبعه بیگانه نسبت داده شود، آیا نامبرده می‌تواند در مراجع قضایی ایران اعلام جرم کند یا خیر و چه دادگاهی صالح است؟» در نظریه شماره ۷/۵۹۹۹ در تاریخ ۱۳۶۷/۹/۹ اظهار داشته است: «...نتیجه آن که در مورد سؤال، دادگاه کیفری در محل انتشار روزنامه یا مجله، صالح به رسیدگی است و این که شاکی از اتباع ایرانی یا خارجی باشد، برای دادگاه تفاوتی نخواهد داشت...». (شهری، ۱۳۷۳: ۵۲۶) البته منظور از محل انتشار مکانی است که نشریه از آنجا پخش و توزیع می‌شود. بنابراین تحویل آن به توزیع کنندگان عمده در مرکز پخش اصلی (محل چاپخانه) کافی است و همین مکان وقوع جرم است. نکته قابل توجه اینجاست که اگر انتشار را به عنوان عنصر اساسی رکن مادی جرم مطبوعاتی به معنای توزیع جزئی آن در دکه‌های مطبوعاتی بدانیم و در نتیجه این مکان را محل وقوع جرم بدانیم با آثار منفی توسعه صلاحیت به تمام حوزه‌هایی که حتی يك نسخه از نشریه در آنجا به فروش رسیده است، مواجه می‌شویم و در نتیجه افراد به راحتی می‌توانند با شکایت

۱. جنیدی، لیا، «جنبه‌های کیفری آزادی بیان با تأکید بر جرایم مطبوعاتی»: *آزادی اندیشه و بیان*؛ ناصر کاتوزیان و همکاران، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، چ. اول، تهران، سال ۱۳۸۲، صص. ۲۸۲ و ۲۸۳.

علیه نشریه، مدیرمسئول را به حوزه‌های مختلف قضایی بکشانند و ایراد این نظر واضح است. سوآلی که ممکن است مطرح گردد این است که در صورتی که نشریه‌ای دارای دو چاپخانه مختلف در دو حوزه قضایی متفاوت باشد، تکلیف صلاحیت محلی چیست و کدام دادگاه صالح به رسیدگی است؟ در این موارد خاص به نظر می‌رسد باید دادگاهی که مرکز اصلی انتشار نشریه در آن واقع است را صالح دانست.^۱ (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۷: ۹۷ و ۹۸)

۳- ۱- ۲- صلاحیت شخصی: گاهی صلاحیت دادگاه به اعتبار سمت اداری- اجتماعی یا وضعیت خاص شخص مرتکب جرم تعیین و مشخص می‌شود. یعنی صلاحیت دادگاه در رسیدگی به برخی جرایم به واسطه شخصیت مجرم، مبنای استعداد و اختیار رسیدگی دادگاه است. بنابراین این وضعیت، حالتی استثنایی به وجود می‌آورد به طوری که رسیدگی به جرایم ارتكابی از سوی برخی افراد و صاحب منصبان در دادگاه خاصی صورت خواهد گرفت؛ نظیر بخش دوم از تبصره الحاقی ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱.^۲

۱. توضیح ماهنامه «کانون»: به نظر می‌رسد تلقی این که چاپخانه می‌تواند به عنوان محل انتشار، محل وقوع جرم محسوب شود، صحیح نیست؛ چرا که اغلب، هم با واقع منطبق نیست و هم با اصول کلی حقوقی سازگار نیست.

توضیح این که اصطلاحی در بین اهالی مطبوعات و روزنامه‌نگاران کاربرد اجرایی دارد زیرعنوان «خروجی سی‌دی» که منظور، همان «خروجی نشریه» است. امروزه با گرفتن اولین خروجی از نتیجه کار تحریریه به منظور ارسال به چاپخانه، عمل نشر و انتشار - عرفاً و قانوناً - صورت گرفته است. خصوصاً این که چندی است از طریق رایانامه (ایمیل)، به چاپخانه برای انتشار نسخه چاپی نشریه و به کاربر رایانه (سرور = Server) برای انتشار نسخه الکترونیکی نشریه در فضای مجازی که یا روی خروجی سایت و پایگاه اینترنتی قرار می‌گیرد و یا حتی مستقیماً قابل ارسال به مخاطبان عمده است. بنابراین، می‌توان همان محل فعالیت نشریه که غالباً دفتر مرکزی نشریه است، محل نشر محسوب و دادگاه محل وقوع دفتر مرکزی نشریه را صالح رسیدگی دانست که این به واقع نزدیک‌تر و بر اصول کلی حقوقی منطبق است.

۲. بخش دوم از تبصره الحاقی ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ مقرر می‌دارد: «رسیدگی به کلیه اتهامات اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزرا و معاونین آنها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفرا، دادستان و رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضایی، استانداران، فرمانداران و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استان‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران می‌باشد به استثنای مواردی که در صلاحیت سایر مراجع قضایی است.»

۲-۲ - مراجع صالح برای رسیدگی: یکی از مباحث مهم در خصوص جرایم مطبوعاتی، تعیین مرجع صالح برای رسیدگی است. در حقوق ایران مراجع گوناگونی برای رسیدگی به اتهامات و جرایم مختلف در نظر گرفته شده است. لذا در این قسمت، جایگاه هریک از مراجع را از حیث صلاحیت رسیدگی به جرایم مطبوعاتی مورد مطالعه قرار خواهیم داد:

۱-۲-۲ - هیئت نظارت بر مطبوعات^۱

هیئت نظارت بر مطبوعات به عنوان مرجعی نظارتی و اداری - اجرایی علاوه بر نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات حرفه‌ای، به پاره‌ای از تخلفات صنفی و حرفه‌ای نیز رسیدگی می‌کند و ضمانت‌های اجرایی نیز برای اجرای فرامین و نظارت خود در نظر می‌گیرد اما مهم‌ترین مطلبی که در خصوص این مقام نظارتی وجود دارد، حدود اختیارات هیئت یاد شده است؛ چرا که برخی مواقع دارای اختیاراتی است که به نوعی تجاوز به وظایف و اختیارات محاکم دادگستری تلقی می‌گردد؛ به عنوان نمونه، مطابق تبصره ماده ۱۱ قانون مطبوعات، اختیار لغو پروانه نشریه به دلیل از بین رفتن یکی از شرایط مقرر در ماده ۹ در مورد صاحب پروانه به این هیئت واگذار شده است و یا اختیار توقیف نشریه طبق تبصره ماده ۱۲ این قانون برعهده هیئت نظارت بر مطبوعات نهاده شده است. بنابراین به نظر می‌رسد که توقیف و لغو پروانه نشریه فراتر از وظایف نظارتی این هیئت می‌باشد؛ چرا که هر دو حکم نیاز به بررسی دقیق حقوقی دارند. لذا شایسته است با ارائه تعریفی قانونی از تخلفات مطبوعاتی و جرایم مطبوعاتی، آن‌ها را از یکدیگر منفک و مجزا کنیم و سپس در پاره‌ای موارد به هیئت نظارت این حق اعطا شود که پس از بررسی تخلف، نشریه را موقتاً

۱. این هیئت که مستقر در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشد، مطابق ماده ۱۰ قانون مطبوعات اصلاحی سال ۱۳۷۹ مرکب از ۷ نفر می‌باشد و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ریاست آن را بر عهده دارد. این ۷ نفر که افرادی مسلمان و صاحب صلاحیت علمی و اخلاقی لازم و وفادار به انقلاب اسلامی می‌باشند عبارتند از: الف - یکی از قضات به انتخاب رئیس قوه قضائیه. ب - وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یا نماینده تام‌الاختیار وی. ج - یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس. د - یکی از اساتید دانشگاه به انتخاب وزیر فرهنگ و آموزش عالی. ه - یکی از مدیران مسئول مطبوعات به انتخاب آنان. و - یکی از اساتید حوزه علمیه به انتخاب شورای عالی حوزه علمیه قم. ز - یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی به انتخاب آن شورا.

توقیف کرده، پرونده را به دادگاه صالح ارجاع دهد. در واقع این موارد باید محدود باشند و اصولاً اجازه لغو امتیاز نشریه از صلاحیت این هیئت خارج باشد؛ زیرا لغو امتیاز نشریه باید در دادگاه صالح و با حضور هیئت منصفه بررسی شده و حکم مقتضی صادر گردد و صرف حضور مقام قضایی در هیئت نظارت برای این امر کافی نمی‌باشد.^۱

۲-۲-۲- دادگاه عمومی

دادگاه عمومی یا دادگاه عام، دادگاهی است که به منظور رسیدگی به کلیه جرایم و اتهامات و حل و فصل کلیه دعاوی و مراجعه مستقیم به قاضی تشکیل شده است. (آخوندی، ۱۳۷۸: ۱۸۶) بنابراین دادگاه عمومی حق رسیدگی و صدور حکم نسبت به عموم دعاوی را صرف نظر از ویژگی دعوا یا ویژگی متداعیین دارا می‌باشد. (هاشمی، ۱۳۸۱: ۴۲۱) مگر آن چه صریحاً رسیدگی به آن به دادگاه‌های خاص واگذار شده باشد. صلاحیت دادگاه عمومی در خصوص رسیدگی به جرایم مطبوعاتی تا قبل از تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۸۱ مورد قبول بود و هیچ‌کس در این باره تردیدی به خود راه نمی‌داد و همه بر این باور بودند که محاکم عمومی دادگستری با شرط برگزاری جلسه علنی و حضور هیئت منصفه در محاکمات، همان مرجع مورد نظر قانون‌گذار برای رسیدگی به جرایم مطبوعاتی است؛ اما تنها سؤالی که مطرح بود این که آیا محاکم دیگری نیز غیر از محاکم عمومی دادگستری صالح به رسیدگی به جرایم مطبوعاتی هستند یا خیر؟ ماده ۳۴ قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ برای پاسخ‌دهی به این سؤال بیان داشت: «رسیدگی به جرایم مطبوعاتی با توجه به قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی می‌تواند در محاکم عمومی یا انقلابی یا سایر مراجع قضایی باشد. در هر صورت علنی بودن و حضور هیئت منصفه الزامی است.» لذا با توجه به ماده فوق‌الذکر می‌توان این گونه استنباط کرد که رسیدگی به جرایم مطبوعاتی بسته به شرایط و

۱. گزارش کامل همایش نقد و ارزیابی قانون مطبوعات و اصلاحیه آن، نشریه مجلس و پژوهش، ش. ۲۸، سال ششم، مهر و آبان ۱۳۷۸، ص. ۸۹ (به نقل از؛ صالحی انصاری، محمدجواد، دادگاه مطبوعات در جمهوری اسلامی ایران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، سال ۱۳۸۵، صص. ۹۱-۹۰).
توضیح ماهنامه «کانون»: یادآور می‌شود عضو مقام قضایی منتخب از سوی ریاست قوه قضائیه همچون سایر اعضای هیئت نظارت بر مطبوعات، صرفاً یک حق رأی دارد.

وضعیت‌هایی می‌تواند در صلاحیت محاکم دیگر از جمله دادگاه انقلاب یا دادگاه نظامی و ویژه روحانیت رسیدگی شود. نکته اساسی و قابل توجه در خصوص تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۸۱ می‌باشد که مطابق تبصره ماده ۴ این قانون، رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی در صلاحیت دادگاه کیفری استان قرار گرفته است.

۳ - ۲ - ۲ - دادگاه انقلاب

دادگاه انقلاب، دادگاهی اختصاصی است که حدود صلاحیت آن را قانون مشخص می‌کند؛ به عبارت دیگر، این دادگاه فقط در اموری صلاحیت به رسیدگی دارد که قانون‌گذار صراحتاً بیان کرده باشد. ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ مقرر می‌دارد:

«به تعداد مورد نیاز دادگاه‌های انقلاب، در مرکز هر استان و مناطقی که ضرورت تشکیل آن را رئیس قوه قضائیه تشخیص می‌دهد تحت نظارت و ریاست اداری حوزه قضایی تشکیل می‌گردد و به جرایم ذیل رسیدگی می‌نماید: ۱. کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی الارض. ۲. توهین به مقام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری. ۳. توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور و تخریب مؤسسات به منظور مقابله با نظام. ۴. جاسوسی به نفع اجانب. ۵. کلیه جرایم مربوط به قاچاق و مواد مخدر. ۶. دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی.»

حال اگر جرایمی که مندرج در قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب است و قابلیت ارتکاب توسط مطبوعات را دارا می‌باشند اتفاق بیفتد، جرم مطبوعاتی است یا خیر؟ و این که آیا دادگاه انقلاب، صالح به رسیدگی به این جرایم می‌باشد یا دادگاه مطبوعات؟ و در نهایت این که اگر دادگاه انقلاب صالح به رسیدگی است بایستی تضمینات رسیدگی به دعاوی مطبوعاتی از جمله علنی بودن رسیدگی و حضور هیئت منصفه را مدنظر قرار دهد یا خیر؟ از آن جا که دکتترین حقوقی و رویه قضایی جرمی را که به وسیله مطبوعات ارتکاب یابد، جرم مطبوعاتی تلقی کرده‌اند و رسیدگی به این جرایم را در دادگاه صالح و با وجود تضمینات لازم در نظر گرفته‌اند؛ لذا در خصوص این مسئله اگرچه دادگاه‌های انقلاب جزئی از محاکم دادگستری هستند و طبق بند یک و ۲ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ صلاحیت رسیدگی به کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و

خارجی و توهین به مقام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری را دارند، بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به نص صریح ماده ۳۴ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۷۹ در موارد خاص، دادگاه انقلاب صلاحیت رسیدگی به جرایم مطبوعاتی را دارد و باید تضمینات جرایم مطبوعاتی در این دادگاه‌ها نیز لحاظ گردد. (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۷: ۹۵)

۴ - ۲ - ۲ - دادگاه ویژه روحانیت

دادگاه ویژه روحانیت نیز از دیگر محاکمی است که از مجموعه قوه قضائیه خارج است و تحت نظارت عالی مقام معظم رهبری قرار دارد^۱ و به حکم حاکم شرع در سال ۱۳۶۶^۲، برای رسیدگی به جرایم روحانیون در نظر گرفته شد. ماده ۱۳ آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت مقرر می‌دارد: «دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت در موارد ذیل صالح به رسیدگی می‌باشند: الف- کلیه جرایم روحانیون. ب- کلیه اعمال خلاف شأن روحانیون. ج- کلیه اختلافات محلی منحل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف، روحانی باشد. د- کلیه اموری که از سوی مقام معظم رهبری برای رسیدگی مأموریت داده می‌شود.» بنا بر مفاد این آیین‌نامه، هرگاه به عنوان مثال، مدیرمسئول یک مطبوعه، فردی روحانی باشد و مرتکب جرمی از طریق مطبوعات گردد، دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت برای رسیدگی صلاحیت دارند. اما در مورد این که آیا حضور هیئت‌منصفه در خصوص رسیدگی به جرایم مطبوعاتی روحانیون الزامی است یا خیر؟ باید گفت که با توجه به تصریح قانون اساسی و قانون مطبوعات، حضور هیئت‌منصفه

۱. ماده یک آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت.

۲. توضیح این‌که؛ ابتدا در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۳ پیرو پیام امام خمینی (ره) دادگاه ویژه روحانیت تشکیل شد و پس از مدتی به دلیل مشکلاتی که این دادگاه داشت و گاه و بی‌گاه مقامات مسئول دادگاه نزد قائم مقام (وقت) رهبری می‌آمدند و مشکلاتشان را با ایشان در میان می‌گذاشتند. با بروز این مشکلات، ریاست (وقت) دادگاه قم در دیداری اظهار کردند که افراد خسته شده‌اند و اگر این دادگاه تعطیل می‌شد یا افراد دیگری می‌آمدند، خوب بود. لذا زمانی که خبر و پیشنهاد وی مبنی بر انحلال دادگاه ویژه روحانیت از طریق رادیو و تلویزیون انعکاس یافت عملاً دادگاه ویژه روحانیت منحل گشت و سپس در تاریخ ۱۳۶۶/۳/۲۵ به دلیل پرونده مهمی به دستور امام خمینی (ره) مجدداً دادرسی و دادگاه ویژه روحانیت تشکیل شد. اما پس از اجرای حکم صادره، در تاریخ ۱۳۶۶/۷/۶، دادگاه ویژه روحانیت، عملاً تعطیل شد و دیگر خبری از آن نبود. ولی در نهایت حدود هفت ماه پس از رحلت امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۶۸/۱۰/۳ این دادگاه دوباره فعال شد و پس از آن بود که حتی برخی نشریات مرتبط، با حکم دادگاه ویژه روحانیت، توقیف شدند.

در دادگاه‌های ویژه روحانیت الزامی است و این الزام یک تکلیف قانونی است. زیرا اگر جز این باشد، دادگاه رسمیت پیدا نخواهد کرد و تصمیم‌گیری چنین دادگاهی نیز اعتبار قانونی نخواهد داشت؛ (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۱۶۳) همچنین برای رفع تمامی این ابهامات می‌توان به استفساریه مقام معظم رهبری در این خصوص استناد کرد.^۱

۵-۲-۲- دادگاه نظامی

دادگاه نظامی نیز دادگاهی اختصاصی است که مطابق اصل ۱۷۲ ق.ا.^۲ به رسمیت

۱. متن این استفساریه بدین شرح می‌باشد: «محضر مبارک حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی دام‌الله‌العالی: پس از سلام و آرزوی سلامت و توفیق برای وجود مبارک به استحضار می‌رساند: اخیراً گزارشی در مورد تخلفات برخی از روحانیون شاغل یا مسئول در مطبوعات واصل شده است، که با نوشتن یا انتشار مطالبی حاوی توهین یا خلاف واقع، موجب بروز تشنج در جامعه می‌گردند. لذا استدعا می‌شود نظر مبارک را در موارد زیر اعلام فرمایید:

س ۱- آیا رسیدگی به تخلفات و جرایم روحانیون در رابطه با مسائل مطبوعاتی در صلاحیت دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت می‌باشد یا خیر؟

پاسخ) بسمه تعالی. کلیه جرایم و تخلفات سیاسی روحانیون و آنچه موجب خدشه در حیثیت روحانیت است باید در آن دادگاه ویژه رسیدگی شود.

س ۲- در صورت رسیدگی در این مرجع قضایی آیا حضور هیئت منصفه در دادگاه ضرورت دارد؟ پاسخ) اگر ترکیب هیئت منصفه از روحانیون مورد تأیید دادستان و رئیس دادگاه باشد، حضور آن مفید است.

س ۳- آیا تشکیل جلسات دادگاه ویژه بایستی با حضور وکیل مدافع باشد یا با توجه به هدف تشکیل دادگاه که حفظ شئون روحانیت است، دادگاه می‌تواند از پذیرش وکیل خودداری نماید؟ پاسخ) حضور وکیل مفید، بلکه لازم است. دادگاه تعدادی از روحانیون صالح را به‌عنوان وکیل مشخص کند تا از میان آنان به انتخاب متهم، وکیل تعیین شود.

س ۴- در بعضی موارد درخواست تشکیل دادگاه علنی می‌شود که به‌نظر دادگاه احتمال ایجاد تشنج و جوسازی از طریق حضور افراد غیرلازم وجود دارد. تشخیص علنی یا مخفی بودن دادگاه با چه مرجعی است؟

پاسخ) تشخیص علنی بودن دادگاه با رئیس دادگاه است. خداوند شما را مشمول کمک و هدایت و ثواب خود قرار دهد.»

۲. اصل ۱۷۲ ق.ا. مقرر می‌دارد: «برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد. ولی به جرایم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود.

دادستانی و دادگاه‌های نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.»

شناخته شده و صرفاً به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی رسیدگی می‌کند. حال سؤال پیش می‌آید که اگر جرمی که قابلیت ارتکاب به وسیله مطبوعات را دارد از طرف یک فرد نظامی انجام شود، کدام محکمه صالح به رسیدگی می‌باشد؟ و در صورت صالح بودن محکمه، آیا بایستی آن مرجع، آیین خاصی را که در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی در نظر گرفته می‌شود، اجرا کند یا این که ملزم به اجرای آن نمی‌باشد؟

در خصوص رسیدگی دادگاه نظامی به جرایم مطبوعاتی که از سوی فردی نظامی ارتکاب می‌یابد دو نظر وجود دارد:

۱. یک نظر این است که دادگاه‌های نظامی، بدون شك صلاحیت رسیدگی به جرایم مطبوعاتی را ندارند. زیرا با توجه به تعریف جرم نظامی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی،^۱ این تعریف، اصولاً نمی‌تواند شامل جرایم مطبوعاتی گردد. و از طرف دیگر، با مراجعه به مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در خصوص تصویب قانون مطبوعات ۱۳۶۴ (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۳: ۲۷) مشخص می‌شود که نمایندگان با حذف صلاحیت محاکم نظامی (در خصوص رسیدگی به جرم افشای اسرار نظامی توسط مطبوعات) از مصوبه کمیسیون ارشاد و طرح اولیه قانون مطبوعات (۱۴ آبان ۱۳۶۴) نظر به انحصار محاکم دادگستری مندرج در اصل ۱۶۸ ق.ا. به محاکم عمومی (غیر اختصاصی) داشتند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۰: ۱۴۷ و ۱۴۸).

۲. نظر دیگری که در این مورد مطرح شده است، بیان می‌دارد که جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی که در ماده یک قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مندرج می‌باشد، جرایمی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسئولیت‌های نظامی و انتظامی که طبق اصول قانون و مقررات بر عهده آنهاست، مرتکب می‌شوند. تبصره الحاقی ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب^۲،

۱. اصل ۱۷۲ ق.ا. و نیز ماده یک قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹.

۲. تبصره الحاقی ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب: «رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا قصاص عضو یا رجم یا صلب یا اعدام یا حبس ابد است و همچنین رسیدگی^۳»

رسیدگی به کلیه اتهامات افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر را در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران دانسته است و با توجه به این که تبصره مذکور رسیدگی به جرایم مطبوعاتی را در صلاحیت دادگاه کیفری استان دانسته است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که چنانچه اشخاص نظامی و انتظامی تا درجه سرتیپ مرتکب بزه مطبوعاتی شوند صرف‌نظر از محل وقوع جرم، دادگاه کیفری استان مربوطه صلاحیت رسیدگی به بزه ایشان را دارد و در صورتی که از درجه سرتیپ و بالاتر مرتکب هر جرم عمومی و طبعاً مرتکب جرم مطبوعاتی شوند، دادگاه کیفری استان تهران صالح به رسیدگی می‌باشد، در نتیجه چنانچه جرم مطبوعاتی در ارتباط با شغل نظامیان باشد، به علت ارتباط شغلی دادگاه نظامی صلاحیت رسیدگی به جرم را دارد. (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۱۷۱ و ۱۷۲)

با توجه به نظر نگارنده که موافق با نظر دوم می‌باشد شایسته است که به جرایم مطبوعاتی که از سوی نظامیان در ارتباط با شغل آنها ارتکاب می‌یابد در دادگاه نظامی رسیدگی شود و در محاکمات مطبوعاتی که توسط دادگاه نظامی صورت می‌گیرد اصول ۲۴ و ۱۶۸ ق.ا. مدنظر قرار گیرد به طوری که آیین دادرسی ارفاقی از جمله علنی بودن و حضور هیئت منصفه ملاک رسیدگی باشد.

۲-۲-۶- دادگاه کیفری استان

محاکمه مطبوعاتی برخی از افراد به لحاظ شأن و شخصیت‌شان در دادگاه‌های خاصی نظیر دادگاه نظامی و دادگاه ویژه روحانیت انجام می‌شود. از طرف دیگر، محاکمه مطبوعاتی برخی جرایم خاص که مندرج در قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب می‌باشد نیز در دادگاه انقلاب رسیدگی خواهد شد. حال سؤال این‌جاست که در صورتی که جرمی مطبوعاتی

☞ به جرایم مطبوعاتی و سیاسی به‌نجوی که در مواد بعدی ذکر می‌شود در دادگاه کیفری استان به عمل خواهد آمد. رسیدگی به کلیه اتهامات اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزرا و معاونین آنها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفرا، دادستان و رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضایی، استانداران، فرمانداران و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استان‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران می‌باشد به استثنای مواردی که در صلاحیت سایر مراجع قضایی است. ☞

توسط افراد عادی ارتکاب یابد و آن جرم، مصرح در قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب نباشد، کدام محکمه صالح به رسیدگی می‌باشد؟ در پاسخ به این سؤال ماده ۳۴ قانون اصلاح قانون مطبوعات ۱۳۷۹ و تبصره آن مقرر داشت:

«رسیدگی به جرایم مطبوعاتی با توجه به قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی می‌تواند در محاکم عمومی یا انقلاب یا سایر مراجع قضایی باشد. در هر صورت، علنی بودن و حضور هیئت منصفه الزامی است. تبصره - به جرایم مطبوعاتی در محاکم صالح مراکز استان‌ها رسیدگی می‌شود.»

بعد از مدتی تبصره ماده ۴ اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ بیان داشت: «... رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی به نحوی که در مواد بعدی ذکر می‌شود در دادگاه کیفری استان به عمل خواهد آمد...» همچنین تبصره یک ماده ۲۰ قانون مذکور در همین راستا مقرر می‌دارد: «رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها قصاص عضو یا قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب و یا حبس ابد باشد و نیز رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی ابتدائاً در دادگاه تجدیدنظر استان به عمل خواهد آمد و در این مورد، دادگاه مذکور "دادگاه کیفری استان" نامیده می‌شود... دادگاه کیفری استان در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی با حضور هیئت منصفه تشکیل خواهد شد.» بنابراین این گونه می‌توان استنباط کرد که مواد قانونی که در خصوص جرایم مطبوعاتی در قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ذکر شده و همچنین تاریخ تصویب قانون مذکور که نسبت به تاریخ تصویب قانون مطبوعات، مؤخر می‌باشد، اراده مؤخر قانون‌گذار در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی می‌باشد که دادگاه کیفری استان را صالح به رسیدگی دانسته است. لذا با استناد به این مواد قانونی می‌توان گفت که در حال حاضر، دادگاه کیفری استان محل وقوع جرم، صلاحیت رسیدگی به جرم مطبوعاتی را دارا می‌باشد.

۳ - اختلاف در صلاحیت در جرایم مطبوعاتی

اصولاً هر دادگاهی باید قبل از شروع به رسیدگی، صلاحیت خود را بر اساس قواعد عمومی صلاحیت مراجع رسیدگی و موارد صلاحیت اختصاصی هریک از این مراجع، ارزیابی و در صورت وجود صلاحیت به رسیدگی نسبت به پرونده ارجاعی اقدام نماید. احراز صلاحیت نیازمند صدور قرار مستقلى نبوده و شروع به رسیدگی دلالت بر آن دارد، اما عدم صلاحیت مستلزم صدور قرار خاصی در این زمینه و ارسال پرونده به مرجع صالح است.

مرجعی که به دنبال صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده به آن ارجاع می‌شود بایستی صلاحیت خویش را احراز نموده و در صورت وجود صلاحیت، نسبت به رسیدگی اقدام نماید. اما در صورتی که دادگاه دوم خود را صالح به رسیدگی نداند و اعتقاد به صلاحیت دادگاه اول داشته باشد، اختلاف در صلاحیت یا تعارض در صلاحیت به وجود می‌آید. (خالقی، ۱۳۸۹: ۳۰۰) لذا نگارنده با توجه به این که برخی از مطبوعات و نشریات در چندین کشور و به صورت هم‌زمان انتشار می‌یابند و ممکن است مرتکب جرمی مطبوعاتی گردند، اختلاف در صلاحیت را به دو دسته ملی و بین‌المللی تقسیم می‌نماید. به این معنا که اگر نشریه و مطبوعه‌ای فقط قابلیت انتشار در داخل کشور را داشته و مرتکب جرمی مطبوعاتی گردد و پیرو ارجاع این پرونده به محاکم، اختلاف در صلاحیت حادث گردد، این اختلاف را در زمره اختلاف در صلاحیت در قلمرو داخلی در نظر گرفته و اختلاف در صلاحیت ملی تعریف می‌کنیم. اما در صورتی که جرم مطبوعاتی توسط نشریه‌ای ارتکاب یابد که در گستره بین‌المللی انتشار یافته است و در خصوص رسیدگی به آن، تعارض در صلاحیت محاکم چندین کشور پیش آید، این اختلاف و تعارض را، اختلاف در صلاحیت بین‌المللی معنا می‌شود.

۱-۳- صلاحیت رسیدگی به جرایم مطبوعاتی در حقوق داخلی

در این خصوص، اختلاف در صلاحیت، به دو صورت ممکن است متصور گردد: اول این که چند مرجع در مسئله‌ای واحد خود را صالح بدانند و به رسیدگی ادامه دهند که در این صورت اختلاف مثبت است. دوم مراجعی که به نظر می‌رسد هر کدام صلاحیت دارند خود را صالح ندانند و هر یک به صلاحیت دیگری اعلام نظر نمایند که در این صورت اختلاف منفی در صلاحیت پیش آمده است. (آخوندی، ۱۳۷۸: ۱۸۵ و ۱۸۶) نکته قابل توجه این است که تعارضی که در خصوص صلاحیت ممکن است به وجود آید یا در صلاحیت ذاتی است و یا در صلاحیت محلی. بنابراین در صورت تعارض صلاحیت ذاتی میان دو دادگاه، مرجع حل اختلاف همیشه دیوان عالی کشور است اما در صورت تعارض صلاحیت محلی میان دو

دادگاه، مرجع حل اختلاف دادگاه تجدیدنظر استان است، مگر این که این دو دادگاه در حوزه یک استان نباشند که در این صورت، حل اختلاف در دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد. در خصوص مرجع صالح برای رسیدگی به جرایم مطبوعاتی، همان طور که بیان شد، طبق تبصره الحاقی به ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ که تصویب آن لاحق بر مقررات ماده ۳۴ قانون اصلاح قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ می‌باشد، دادگاه کیفری استان به عنوان مرجع رسیدگی به جرایم مطبوعاتی تلقی می‌شود. اما محاکمی نظیر دادگاه نظامی و دادگاه انقلاب و دادگاه ویژه روحانیت نیز در برخی مواقع صلاحیت رسیدگی به جرایم مطبوعاتی را پیدا می‌کنند. لذا در مواقعی که این دادگاه‌ها خود را صالح به رسیدگی بدانند یا بالعکس، خود را صالح به رسیدگی ندانند، اختلاف در صلاحیت به وجود خواهد آمد. بنابراین در این بخش به بررسی حالت‌های مختلف اختلاف در صلاحیت در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی خواهیم پرداخت.

۱- ۱- ۳- اختلاف در صلاحیت میان دادگاه کیفری استان و دادگاه نظامی

در این حالت از اختلاف، به این دلیل که اختلاف در صلاحیت ذاتی به وجود آمده است لذا حل اختلاف صلاحیت با دیوان عالی کشور خواهد بود. با توجه به اصل ۱۷۲ ق.ا. که مقرر داشته: «برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد...» و تبصره یک ماده یک قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران «جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی» را به این صورت تبیین کرده است: «منظور از جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی بزه‌هایی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسئولیت‌های نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات به عهده آنان است مرتکب گردند.» بنابراین دو ویژگی در جرم سبب می‌گردد که دادگاه نظامی صالح به رسیدگی باشد، یکی شخص مرتکب و دیگری عمل وی. (خالقی، ۱۳۸۹: ۳۲۵) به این معنا که در صورتی که شخصی نظامی جرمی را از طریق نشریات و مطبوعات مرتکب شود و آن جرم ماهیتاً نظامی باشد و در ارتباط با شغل و وظیفه فرد نظامی انجام گرفته باشد، دادگاه نظامی صالح به رسیدگی به

این جرم مطبوعاتی است اما در صورتی که یکی از این دو ویژگی را فاقد باشد این جرم مطبوعاتی بایستی در دادگاه کیفری استان رسیدگی گردد. شایان ذکر است که ملاک صلاحیت، داشتن سمت‌های نظامی مندرج در ماده یک قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ در زمان ارتکاب جرم است نه در زمان رسیدگی. بدین معنا که اگر مرتکب در زمان ارتکاب جرم یکی از سمت‌های نظامی را داشته باشد، مشمول صلاحیت دادگاه نظامی خواهد بود هرچند که بعداً این سمت را از دست بدهد. به عبارت دیگر، «رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرایم زمان اشتغال نمی‌شود.» (خالقی، ۱۳۸۹: ۳۲۶)

نکته قابل توجه در این است که چه دادگاه نظامی و چه دادگاه کیفری استان صالح به رسیدگی باشند بایستی تضمینات دادرسی دعاوی مطبوعاتی نظیر علنی بودن و حضور هیئت منصفه را رعایت کنند.

۲- ۱- ۳- اختلاف در صلاحیت میان دادگاه کیفری استان و دادگاه انقلاب

این اختلاف زمانی پدید می‌آید که به‌طور مثال جرمی علیه امنیت داخلی از طریق مطبوعات ارتکاب یابد. بنابراین به این دلیل که رسیدگی به این جرایم ذاتاً در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار دارد لذا این دادگاه صالح به رسیدگی است ولی از طرف دیگر، به دلیل این که وسیله ارتکاب این جرم، مطبوعات بوده است لذا شایسته است که رسیدگی به آن در دادگاه انقلاب با ارفاق خاص دادرسی دعاوی مطبوعاتی نظیر علنی بودن و حضور هیئت منصفه همراه باشد و اگر بین این دو محکمه اختلاف در صلاحیت به‌وجود بیاید با نظر دیوان عالی کشور، حل اختلاف انجام می‌گیرد. (محمدزاده، ۱۳۸۴: ۱۴۱)

۳- ۱- ۳- اختلاف در صلاحیت میان دادگاه نظامی و دادگاه انقلاب

گاهی ممکن است فرد نظامی جرمی را مرتکب شود که در صلاحیت دادگاه انقلاب بوده است اما این فرد نظامی به مناسبت شغلش آن جرم را مرتکب شده است. به‌عنوان نمونه فردی نظامی، جرایم امنیتی را که در صلاحیت دادگاه انقلاب است، در ارتباط با شغل و انجام وظیفه‌اش مرتکب شده است. پیرو درخواست رئیس قوه قضائیه، مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۳ اجازه دادند که به جرایم امنیتی و جرایم حین خدمت افراد نظامی نیز در

دادگاه‌های نظامی رسیدگی شود. در حال حاضر، جرایم امنیتی، جرایم مذکور در مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ ق.م.ا. (جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور) می‌باشند. (خاتمی، ۱۳۸۹: ۳۲۸ و ۳۲۹) بنابراین با توجه به موارد فوق در صورتی که يك فرد نظامی جرمی را که در صلاحیت دادگاه انقلاب است به مناسبت شغل و انجام وظیفه‌اش ارتکاب یابد دادگاه نظامی صالح به رسیدگی است و بایستی تضمینات دادرسی دعاوی مطبوعاتی نظیر علنی بودن و حضور هیئت‌منصفه را رعایت کند. لیکن در صورتی که این جرم توسط فردی نظامی ارتکاب یابد اما مرتبط با انجام وظیفه و به مناسبت شغل او نباشد دادگاه انقلاب صالح به رسیدگی خواهد بود. نکته قابل توجه در این است که رسیدگی در دادگاه انقلاب نیز نافی ارفاق خاصی که برای رسیدگی به دعاوی مطبوعاتی خواهد بود، نمی‌باشد.

در نهایت، اگر دادگاه انقلاب و دادگاه نظامی در مورد مسایلی ادعای صلاحیت کرده که به موجب آن اختلاف در صلاحیت حادث شود، در آن صورت، مرجع حل اختلاف دیوان عالی کشور خواهد بود.

۴ - ۱ - ۳ - اختلاف در صلاحیت میان دادگاه کیفری استان و دادگاه ویژه روحانیت

مطابق ماده ۱۳ آیین‌نامه، اعمالی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت قرار داده شده است، عبارتند از: ۱. کلیه جرایم روحانیون ۲. کلیه اعمال خلاف شأن روحانیون (حتی اگر در قوانین موضوعه جرم تلقی نشده باشد) ۳. کلیه اختلافات محلی مخل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف، روحانی باشد ۴. کلیه اموری که از سوی مقام رهبری برای رسیدگی به آن ارجاع می‌شود که ظاهراً این فرض دیگر محدود به رسیدگی به امور مربوط به روحانیون نیز نگردیده و عموم این عبارت شامل افراد غیرروحانی نیز می‌شود. (خاتمی، ۱۳۸۹: ۳۴۲) بنابراین به نظر می‌رسد در ۳ مورد اول اختلاف مثبت در صلاحیت متصور نمی‌باشد. چرا که زمانی که متهم روحانی بوده باشد، رسیدگی به جرم او در دادگاه ویژه روحانیت صورت خواهد گرفت اما در مورد چهارم ممکن است فردی غیرروحانی مرتکب جرمی مطبوعاتی گردد و از طرفی، دادگاه کیفری استان و از طرف

دیگر، به امر مقام معظم رهبری رسیدگی به اتهام آن شخص به دادگاه ویژه روحانیت ارجاع شده است؛ بنابراین دادگاه ویژه روحانیت صالح به رسیدگی می‌باشد.

در مورد اختلاف منفی در صلاحیت نیز همان‌طور که بیان گردید پس از صدور قرار عدم صلاحیت توسط يك مرجع و ارسال پرونده به مرجع دیگر، قرار مذکور برای مرجع اخیر الزام‌آور نبوده و این مرجع می‌تواند خود را صالح ندانسته و اقدام به صدور قرار عدم صلاحیت نماید. اما این موضوع که مبتنی بر ماده ۳۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب می‌باشد، در آیین‌نامه دادگاه‌های ویژه روحانیت رعایت نشده و برخلاف آن مقرر گردیده است. تبصره یک ماده ۱۳ آیین‌نامه مذکور بیان داشته: «در مواردی که دادرسی ویژه، رسیدگی به پرونده‌ای را به سایر مراجع قضایی ذی‌ربط واگذار نماید، مراجع مذکور موظف به رسیدگی می‌باشند». (خالقی، ۱۳۸۹: ۳۴۲ و ۳۴۳) لذا اختلاف منفی نیز در این رابطه متصور نیست. چرا که در صورتی که دادگاه ویژه روحانیت خود را صالح به رسیدگی نداند و با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به دادگاه دیگری ارجاع نماید دادگاه مؤخر، موظف به رسیدگی است. از طرف دیگر، در صورتی که مدیرمسئول مطبوعه‌ای، روحانی باشد و در ارتکاب جرمی، شریک یا معاونی غیرروحانی داشته باشد رسیدگی به اتهام این افراد نیز هرچند که غیرروحانی می‌باشند در دادگاه ویژه روحانیت به عمل خواهد آمد و در این باره ماده ۳۱ آیین‌نامه، تفکیکی میان شریک و معاونی که روحانی باشد یا نباشد قائل نشده است و به‌طور کلی مقرر می‌دارد: «اتهامات شرکا، معاونین و مرتبطين متهم روحانی در دادرسی و دادگاه ویژه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.»

شایان ذکر است که جرایم مطبوعاتی که در این دادگاه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد نیز شایسته است که آیین دادرسی افتراقی جرایم مطبوعاتی را که علنی بودن و حضور هیئت منصفه می‌باشد، مد نظر قرار دهد.

۵ - ۱ - ۳ - اختلاف در صلاحیت میان دادگاه نظامی و دادگاه ویژه روحانیت

همچنین حالت دیگری متصور است به این شرح که فردی نظامی که ملبس به لباس روحانیت نیز می‌باشد و روحانی نامیده می‌شود، جرمی را به لحاظ شغل و وظیفه نظامی

خود توسط مطبوعات مرتکب می‌شود. حال سؤال این‌جاست که در این‌گونه مواقع، آیا دادگاه نظامی صالح به رسیدگی است یا دادگاه ویژه روحانیت؟ در پاسخ باید گفت که به لحاظ شأن و جایگاه ویژه‌ای که برای روحانیون در نظر گرفته شده و مطابق ماده ۱۳ آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادرهای ویژه روحانیت تمامی جرایم روحانیون در صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت قرار گرفته است. لذا با توجه به اطلاق این ماده می‌توان این‌گونه استنباط کرد که تمامی جرایم روحانیون فارغ از این‌که روحانی باشند یا غیرروحانی (به دستور مقام معظم رهبری)، بایستی در دادگاه ویژه رسیدگی گردند و در این صورت نیز باید ارفاق دادرسی راجع به دعاوی مطبوعاتی را مدنظر قرار دهند.

۶- ۱- ۳- اختلاف در صلاحیت میان دادگاه انقلاب و دادگاه ویژه روحانیت

از دیگر موارد اختلاف، تعارض میان صلاحیت دادگاه انقلاب و دادگاه ویژه روحانیت است. به این معنا که اگر فردی روحانی، جرمی را مرتکب شود که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه انقلاب است نظیر جرایم علیه امنیت داخلی و وسیله ارتکاب آن جرم، مطبوعات بوده باشد، با توجه به دلایلی که در موارد پیشین ذکر کردیم، دادگاه ویژه روحانیت صالح به رسیدگی است و بایستی آیین دادرسی ارفاقی را در خصوص جرایم مطبوعاتی روحانیون نیز اجرا کند. بنابراین میان دادگاه ویژه روحانیت و سایر دادگاه‌ها اختلاف محقق نمی‌شود و دادگاه‌های دیگر موظف به پذیرش نظر دادگاه ویژه روحانیت هستند. (آخوندی، ۱۳۸۶: ۲۶۱)

پس از بررسی حالت‌های مختلف اختلاف در صلاحیت رسیدگی دعاوی مطبوعاتی، حال، این سؤال مطرح می‌شود؛ در صورتی که جرم مطبوعاتی در هر یک از این محاکم صالح برای رسیدگی در حال بررسی باشد و شاکی خصوصی تقاضای جبران خسارت کند آیا دادگاه رسیدگی به جرم مطبوعاتی، صالح به رسیدگی به دعوی که ماهیت حقوقی دارد نیز می‌باشد یا خیر؟ در پاسخ باید گفت که مراجع قضایی کیفری اعم از دادسرا و دادگاه، خواه عمومی یا اختصاصی، در پاره‌ای موارد صلاحیت رسیدگی به برخی دعاوی دیگری که خارج از صلاحیت ذاتی یا محلی آن‌هاست، پیدا می‌کنند. (نوروزی فیروز، ۱۳۸۷: ۲۷۰) بنابراین

صلاحیت اضافی، استثنایی بر قواعد کلی صلاحیت کیفری بوده و مبین این است که يك مرجع کیفری می‌تواند در بعضی شرایط نسبت به جرمی که اصولاً خارج از صلاحیت اوست نیز رسیدگی کند. (خوندی، ۱۳۸۶: ۲۳۸) لذا در برخی موارد، دادگاه کیفری، علاوه بر دعوای کیفری، صلاحیت رسیدگی به دعوای دارای ماهیت حقوقی (ضرر و زیان ناشی از جرم) را نیز دارد که به آن دعوای خصوصی گفته می‌شود. البته رسیدگی توأمان دعوای کیفری و حقوقی در دادگاه کیفری در صورتی است که:

۱. دعوای حقوقی مربوط به ضرر و زیان ناشی از جرم باشد،
۲. جبران ضرر و زیان ناشی از جرم در مهلت قانونی در دادگاه کیفری مطالبه شده باشد،
۳. دعوای خصوصی در دادگاهی اقامه شود که به جرم موجب ضرر و زیان رسیدگی می‌کند،

۴. دعوای خصوصی باید با رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی اقامه شود. بایستی توجه داشت که در این‌گونه مواقع، مراجعه به دادگاه کیفری، حق متضرر از جرم است، پس از این‌که دعوای خصوصی با رعایت تشریفات قانونی و در مهلت مقرر اقامه شده باشد قاضی کیفری مکلف به رسیدگی است. نکته قابل توجه این است که بر عکس این قضیه صادق نمی‌باشد. به این معنا که دادگاه حقوقی نمی‌تواند ضمن دعوای حقوقی به جرم مرتبط به آن رسیدگی کند چرا که دادگاه حقوقی ملزم به تبعیت از حکم قطعی محاکم کیفری است که از آن به اصل تبعیت دادگاه حقوقی از حکم قطعی و مختومه حکم کیفری تعبیر می‌شود.^۱

۲ - ۳ - صلاحیت رسیدگی به جرایم مطبوعاتی در حقوق بین‌الملل

در این قسمت به بررسی مطبوعات فراملی خواهیم پرداخت. به این ترتیب که در

۱. معاونت آموزش دادگستری استان تهران، تهران، ۴۳۲ نکته از قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱، نشر اشراق، ص. ۹۴ (به نقل از: نوروزی فیروز، رحمت‌ا...، آیین دادرسی کیفری ۲ (صلاحیت)، انتشارات میزان، چ. اول، سال ۱۳۸۷، ص. ۶۲)

صورتی که مطبوعاتی به صورت هم‌زمان در چند کشور چاپ و منتشر گردد و جرمی مطبوعاتی توسط این رسانه نوشتاری ارتکاب یابد و سپس هریک از این کشورها خود را صالح به رسیدگی بدانند تعارض در صلاحیت پیش خواهد آمد و با توجه به این که اصولاً مرجع صالح برای رفع اختلاف در صلاحیت در عرصه بین‌الملل وجود ندارد،^۱ سؤال این جاست که در این گونه مواقع کدام کشور صالح به رسیدگی خواهد بود؟ در خصوص تبیین این موضوع بایستی بیان گردد که قانون حل تعارض در کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران، اصل صلاحیت سرزمینی را مورد تأیید قرار داده است. بنابراین در مورد جرمی که توسط نشریه‌ای ایرانی صورت گیرد که به عنوان مثال به صورت هم‌زمان در ایران و لبنان انتشار یافته باشد با توجه به ماده ۴ ق.م.ا. که بیان می‌دارد: «هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و یا در خارج و نتیجه آن در ایران حاصل شود در حکم جرم واقع شده در ایران است.» می‌توان نتیجه گرفت که قانون‌گذار ایرانی در مقام افزایش صلاحیت دادگاه‌های داخلی، با الهام از تئوری‌های جدید آیین دادرسی کیفری، محل وقوع عنصر مادی جرم و محل حصول نتیجه، هر دو را ملاک برای قبول صلاحیت محاکم داخلی به‌شمار آورده است. (آخوندی، ۱۳۸۶: ۲۳۲) در این جا ممکن است این مسئله مطرح شود که هر دو کشور محل وقوع عنصر مادی جرم را ملاک صلاحیت محاکم خود قرار دهند و چون در هر دو کشور این نشریه به صورت هم‌زمان منتشر شده است می‌توان ادعا کرد که عنصر مادی جرم در هر دو کشور اتفاق افتاده است لذا هر دو کشور می‌توانند ادعای صلاحیت کنند. بنابراین در این گونه مواقع می‌توان به اصول کلی حقوق بین‌الملل کیفری از جمله اصل عدم محاکمه هم‌زمان و اصل عدم رسیدگی مجدد (اعتبار امر مختومه)^۲ و همچنین به اصول مندرج در موافقت‌نامه‌های معاضدت قضایی و استرداد مجرمین رجوع کرد. بنابراین در این موارد بر اساس این اصول و

۱. ممکن است مرجعی از ناحیه پاره‌ای از کشورها به عنوان مرجع حل اختلاف در صلاحیت تعیین گردد اما رأی آن صرفاً برای کشورهای عضو لازم‌الاتباع خواهد بود و کشورهای غیرعضو اصولاً تکلیفی در پذیرش رأی این مرجع ندارند. (رک: نوروزی، همان، ص. ۳۱۶).

2. Res judicata.

مقررات بین‌المللی، کشور دارای صلاحیت رسیدگی به جرم مطبوعاتی شناسایی خواهد شد. در صورتی که محاکم ایرانی صلاحیت رسیدگی به این جرم مطبوعاتی را داشته باشند به نظر می‌رسد تضمینات خاص دادرسی دعاوی مطبوعاتی را بایستی رعایت کنند.

حال ممکن است این سؤال مطرح گردد که اگر جرمی توسط مطبوعه بیگانه علیه جمهوری اسلامی ایران ارتکاب یابد به طوری که امنیت داخلی یا خارجی ایران را مخدوش سازد آیا دادگاه ایران صالح به رسیدگی خواهد بود؟ و آیا برای رسیدگی، ملزم به رعایت ارفاق دادرسی دعاوی مطبوعاتی از جمله علنی بودن و حضور هیئت منصفه می‌باشد یا خیر؟ می‌توان این‌گونه پاسخ داد که با توجه به بند یک ماده ۵ ق.م.ا. که مقرر می‌دارد: «هر ایرانی یا بیگانه‌ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم ذیل شود و در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد گردد طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شود: ۱. اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران و امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران...» فلذا در صورتی که این جرم توسط مطبوعه بیگانه صورت گیرد محاکم ایرانی صالح به رسیدگی خواهند بود. در خصوص بخش دوم این سؤال که در مورد آیین دادرسی جرایم مطبوعاتی می‌باشد نیز باید گفت که با توجه به ماده ۳۴ قانون اصلاح قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ و تبصره یک ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ و همچنین اصل تفسیر مقررات کیفری به نفع متهم، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که آیین دادرسی خاصی که در مورد جرایم مطبوعاتی در نظر گرفته شده است به صورت کلی در نظر گرفته شده و هیچ‌گونه تفکیکی میان مطبوعات ایرانی و مطبوعات بیگانه قائل نشده است. لذا برای رسیدگی به جرایم مطبوعات بیگانه در محاکم داخلی کشور نیز شایسته است که آیین دادرسی افتراقی آن نظیر علنی بودن و حضور هیئت منصفه رعایت گردد.

نکته قابل توجه این است که نشریه‌ای که در چند کشور به صورت هم‌زمان انتشار یافته است و از میان این چند کشور فقط یک کشور ادعای ارتکاب جرم توسط این نشریه را دارد و دیگر کشورها، آن امری را که توسط این کشور جرم شناخته شده است جرم تلقی

نمی‌کنند، لذا در این صورت معمولاً کشوری که آن امر را جرم تلقی کرده است، صالح به رسیدگی می‌باشد.

۴- نتیجه

اگر بپذیریم که جرم پدیده‌ای اجتماعی و فردی است بنابراین باید تمام تلاشمان را برای ریشه‌کن کردن این پدیده به کار ببریم و نیل به این هدف، مستلزم وضع قواعد متناسب و همچنین دادرسی منصفانه می‌باشد. موضوع صلاحیت، بیش‌ترین نقش را برای دسترسی آسان و سریع به دادرسی عادلانه ایفا می‌کند. در مورد صلاحیت ذاتی در جرایم مطبوعاتی باید بیان کرد که دادگاه‌های اختصاصی فاقد صلاحیت می‌باشند اما گاهی اوقات، قانون یا رویه قضایی، رسیدگی به جرایم مطبوعاتی را در صلاحیت دادگاه‌های اختصاصی قرار می‌دهد. در زمینه صلاحیت محلی در جرایم مطبوعاتی نیز قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحی ۱۳۷۹ سکوت کرده است. بنابراین در این مواقع نمی‌توان خارج از قاعده کلی صلاحیت در آیین دادرسی کیفری عمل کرد. لذا با توجه به این‌که عنصر مادی جرم مطبوعاتی، «انتشار» می‌باشد، دادگاه صالح را بایستی دادگاه محل انتشار نشریه دانست. صلاحیت شخصی نیز با توجه به مفاد و مندرجات تبصره الحاقی ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ که رسیدگی به جرایم برخی اشخاص را به لحاظ موقعیت و سمت اداری و اجتماعی در دادگاه کیفری استان در نظر گرفته است لذا در صورتی که جرمی مطبوعاتی توسط این افراد صورت گیرد، در این دادگاه رسیدگی خواهد شد.

اما در مورد مراجع صالح برای رسیدگی این انتقاد بر قانون‌گذار وارد است که برخی اختیاراتی که فی‌نفسه برای محاکم قضایی می‌باشد، به مرجعی شبه‌قضایی نیز داده است. به این معنا که توقیف و لغو پروانه نشریه را که از اختیارات دادگاه‌های دادگستری می‌باشد، در برخی مواقع به هیئت نظارت بر مطبوعات داده است که به نظر می‌رسد این موضوع، یک نقص برای قانون‌گذاری می‌باشد.

به طور خلاصه می‌توان گفت در صورتی که در خصوص رسیدگی به جرایم مطبوعاتی

اختلاف در صلاحیت حادث گردد، اصل بر صلاحیت دادگاه کیفری استان بوده مگر این که قانون صراحتاً دادگاه دیگری را صالح به رسیدگی تشخیص دهد اما در هر صورت، به دلیل این که مخاطبین مطبوعات، عموم مردم می‌باشند بنابراین شایسته است که در مورد جرایم مطبوعاتی، تضمینات دادرسی از جمله علنی بودن و حضور هیئت منصفه رعایت گردد. اما با تمام این اوصاف، متأسفانه قانون‌گذار در وضع مقررات راجع به صلاحیت، دقت کافی را مبذول نداشته و این مسئله سبب گردیده که صلاحیت که جنبه آمره نیز دارد از استواری لازم برخوردار نباشد به نحوی که در برخی امور تشخیص مرجع صالح را حتی برای اهل فن مشکل کرده است. این مسئله در مورد جرایم مطبوعاتی نیز وجود دارد به طوری که برخی مواقع در جرایم مطبوعاتی، مرجع صالح برای رسیدگی به وضوح مشخص نیست. بنابراین شایسته است این تأسیس حقوقی، به دلیل بحران‌هایی که امروزه نشریات و مطبوعات را تهدید می‌کند بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و در خصوص آن مقررات دقیق‌تری وضع گردد.



فهرست منابع

۱. آخوندی، محمود، *آیین دادرسی کیفری*، انتشارات پایدار، چ. اول، سال ۱۳۷۸.
۲. _____، *آیین دادرسی کیفری (سازمان و صلاحیت مراجع کیفری)*، چ. ۲، چ. ۱۰، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، سال ۱۳۸۶.
۳. انصاری لاری، محمد ابراهیم، *نظارت بر مطبوعات در حقوق ایران*، انتشارات سروش، چ. اول، سال ۱۳۷۵.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *ترمینولوژی حقوق*، انتشارات بنیاد راستاد، سال ۱۳۶۳.
۵. جنیدی، لعیا، «جنبه‌های کیفری آزادی بیان با تأکید بر جرایم مطبوعاتی»، ناصر کاتوزیان و همکاران، آزادی اندیشه و بیان، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، چ. اول، تهران، سال ۱۳۸۲.
۶. خالقی، علی، *آیین دادرسی کیفری*، انتشارات شهر دانش، تهران، چ. ۸، سال ۱۳۸۹.
۷. شهری، غلامرضا، ستوده تهرانی، سروش، *نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری* (از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۱)، چ. اول، روزنامه رسمی، چ. اول، تهران، سال ۱۳۷۳.
۸. شیخ‌الاسلامی، عباس، *جرایم مطبوعاتی بررسی تطبیقی سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان*، انتشارات جهاد دانشگاهی، چ. اول، مشهد، سال ۱۳۸۰.
۹. صالح‌یار، غلامحسین، «مطبوعات ایران و مشکل مطبوعات در ایران»، دنیای سخن، ش. ۶۲، آبان و آذر ۱۳۷۳.
۱۰. صالحی انصاری، محمد جواد، *دادگاه مطبوعات در جمهوری اسلامی ایران*، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، سال ۱۳۸۵.
۱۱. مدنی، جلال‌الدین، *آیین دادرسی مدنی (سازمان قضایی جمهوری اسلامی ایران، مراجع قضایی عمومی، اختصاصی و داوری دعاوی صلاحیت)*، چ. اول، انتشارات پایدار، چ. اول، آبان ۱۳۷۶.
۱۲. محمدزاده، شهرام، *نگاهی کاربردی به صلاحیت در امور کیفری*، انتشارات فکرسازان، چ. اول، سال ۱۳۸۴.
۱۳. مرتضوی، سعید، *جرایم مطبوعاتی*، انتشارات شرکت چاپ و نشر بین‌الملل وابسته به موسسه انتشارات امیرکبیر، چ. ۲، سال ۱۳۸۶.
۱۴. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی، ش. ۱۱۸۷۳، جلسه ۱۸۸، ۱۳۶۴.
۱۵. معاونت آموزش دادگستری استان تهران، *۴۳۲ نکته از قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱*، نشر اشراق، ۱۳۸۵.
۱۶. معاونت آموزش قوه قضائیه، *بررسی تحلیلی جرایم مطبوعاتی*، انتشارات جاودانه، چ. اول، سال ۱۳۸۷.
۱۷. نوروزی، کامبیز، *آزادی مطبوعات از اخلاق تا حقوق: بررسی مسائل مطبوعاتی ایران* (مجموعه مقالات دومین سمینار مطبوعات)، چ. اول، نوروزی فیروز، رحمت‌ا...، *آیین دادرسی کیفری ۲ (صلاحیت)*، انتشارات میزان، چ. اول، سال ۱۳۸۷.
۱۸. انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه، چ. اول، تهران، ۱۳۷۷.
۱۹. هاشمی، محمد، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد دوم)*، انتشارات میزان، چ. ۶، سال ۱۳۸۱.